

نگرشی بر عملیات فتح‌المبین

حسن بیات^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

چکیده

این مقاله با استفاده از اسناد و مدارک و کتاب‌های موجود، عملیات فتح‌المبین را بررسی و تجزیه و تحلیل نموده و با خط‌کش و معیار اصول و قواعد اساسی رزم مورد قبول صاحب‌نظران نظامی، حقیقت عملیات فتح‌المبین را تا حد امکان کشف و ارائه می‌نماید. عملیات ارتش عراق در تنگه چذابه در ۱۷ بهمن ۱۳۶۰ با هدف پیشگیری یا تأخیر در اجرای عملیات آینده ایران و تک‌مختل‌کننده آن در غرب شوش و رقیبیه در ۲۸ و ۲۹ اسفند ۱۳۶۰ با هدف برهم زدن سازمان و انهدام بخشی از نیروهای ایران جهت به تأخیر انداختن دوباره عملیات، نتوانست مانع از اجرای عملیات گشته؛ ولی تا حدودی توانست تأخیر در اجرای عملیات را ایجاد نموده و تلفات و خساراتی به یگان‌های سپاه اسلام وارد کند.

عراق به استناد دلایل محکم، تقریباً کل عملیات فتح‌المبین را به غیر از منطقه فرارگاه قدس (عین‌خوش) کشف کرده و آمادگی کامل جهت مقابله با رزمندگان اسلام را داشت.

قرارگاه مرکزی کربلا با چهار قرارگاه مشترک تابع، شبانه و توأم با غافلگیری تک‌نموده و ارتفاعات عین‌خوش، تینه، برقازه، رقیبیه و میشداغ را تأمین می‌نماید. قرارگاه قدس به عنوان تلاش اصلی در محور عین‌خوش، قرارگاه نصر در محور غرب پل نادری، قرارگاه فجر در محور شوش و قرارگاه فتح در محور رقیبیه تک‌می‌نمایند.

این عملیات به تمام اهداف طرح‌ریزی شده خود رسید و ۲۴۰۰ کیلومتر مربع از حساس‌ترین مناطق خوزستان به دست رزمندگان اسلام آزاد شده و بیش از ۲۵ هزار نفر کشته و زخمی و بیش از ۱۶ هزار نفر به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند. شور و نشاط جوانی و جسارت در خط‌شکنی بچه‌های سپاه و بسیج و پختگی و امکانات پشتیبانی رزم و پشتیبانی خدمات رزم در ارتش، عملیات فتح‌المبین را قرین موفقیت نمود.

جسارت در طرح‌ریزی و اجرای عملیات فتح‌المبین، بدون توجه به آیین رزم مرسوم و ابداع یک شیوه و سبک جدید در طرح‌ریزی و اجرای عملیات، باعث غافلگیری دشمن شده و اجرای تاکتیک‌های پیچیده رزم شبانه، تک‌از سمت غیرقابل انتظار دشمن، تغییر و انعطاف در طرح‌ریزی و اجرای عملیات بنا به ضرورت ناحیه رزم، اصرار نیروها و فرماندهان به پیروزی و استفاده مناسب و به موقع از نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌های دشمن، از علل و عوامل اصلی پیروزی در عملیات فتح‌المبین بوده‌اند.

کلید واژه‌ها: دفاع مقدس، عملیات فتح‌المبین، دشت عباس، تعارض، طرح‌ریزی.

مقدمه:

با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، ارتش عراق با لشکر ۱ مکانیزه در محور فکه و لشکر ۱۰ زرهی در محور شرفانی از مرز عبور کرده و طی حدود یک هفته با وجود مقاومت تیپ دوم زرهی دزفول، تیپ ۳۷ زرهی شیراز و گروهی از سپاه پاسداران دزفول، منطقه غرب رودخانه کرخه را اشغال کردند.

عملیات نیروی زمینی ارتش در ۲۳ مهر ۱۳۵۹ در غرب کرخه و از سمت پل نادری با هدف آزادسازی منطقه‌ی واقع بین رودخانه کرخه تا مرز، با سازمان لشکر ۲۱ حمزه، لشکر ۱۶ زرهی قزوین و تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی طرح‌ریزی شد که تا قبل از ظهر با شکست کامل به اتمام رسید. ارتش و سپاه به صورت مشترک و بعضاً به طور مستقل تا قبل از عملیات فتح‌المبین، عملیات‌های محدودی در مناطق مختلف غرب کرخه به منظور از بین بردن روحیه و در هم شکستن میل جنگجویی دشمن و به دست آوردن اخبار و توسعه اطلاعات انجام دادند.

عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا و کنار هم قرار گرفتن ارتش و سپاه، موجب تقویت جبهه اسلام گردید و با توجه به تجربیات یک سال اول جنگ، عملیات‌های بزرگ و بزرگ‌تر، یکی پس از دیگری و با سرعت تمام طراحی و اجرا گردید.

عملیات ثامن‌الائمه نقطه عطف در استراتژی تهاجمی جمهوری اسلامی ایران و اولین عملیات گسترده و مشترک بین ارتش و سپاه بود که موجب شکست حصر آبادان و تحقق آرزوی یک ساله سپاه اسلام بعد از پیام «حصر آبادان باید شکسته شود» حضرت امام (ره) شد. عملیات ثامن‌الائمه دو نتیجه برجسته داشت: ۱- عراق در استراتژی خود که تصرف جزیره آبادان و رسیدن به سواحل خلیج فارس بود، با شکستن حصر آبادان، ناکام ماند. ۲- اعتماد به نفس برای طراحی و اجرای عملیات‌های بزرگ‌تر و مهم‌تر توسط فرماندهان سپاه اسلام به دست آمد.

بعد از عملیات ثامن‌الائمه، سرهنگ صیاد شیرازی به فرماندهی نیروی زمینی ارتش منصوب شده و باعث نزدیکی هرچه بیشتر ارتش و سپاه گردید و با پیگیری محسن رضایی و صیاد شیرازی، سلسله عملیات‌های راه کربلا طراحی گردید.

عملیات طریق‌القدس دومین عملیات بزرگ و مشترک بین سپاه و ارتش بود که در منطقه‌ای چندین برابر بزرگ‌تر و با استعداد بیشتر از عملیات حصر آبادان اجرا شد و به سرعت، یگان‌ها خود

را به هور و تنگه چزابه رسانده و ارتش عراق را در شمال و جنوب خوزستان به دو قسمت تقسیم کردند.

اجرای عملیات مطلع‌الفجر در گیلان‌غرب در ۲۰ آذر ۱۳۶۰، باعث شد که فرماندهان تمرکز اصلی خود را در خوزستان گذاشته و نتیجه جنگ را در جنوب جستجو کنند (آقای هاشمی در خاطراتش می‌گوید: آقا محسن و صیاد برای عملیات مطلع‌الفجر به غرب رفتند و در نهایت با قطعیت به این نتیجه رسیدند که سرنوشت جنگ باید در جنوب مشخص شود).

تحولات سیاسی - نظامی جنگ بعد از عملیات طریق‌القدس و در آستانه عملیات فتح‌المبین، به نفع جمهوری اسلامی ایران چرخید. روند تحولات سیاسی در داخل کشور با حضور همه جانبه مردم؛ انتخاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رئیس‌جمهور، پیروزی‌های نظامی به دست آمده در دو عملیات قبل، حذف جریان‌های ضد انقلاب در داخل، سازماندهی تیپ‌های جدید با حضور نیروهای مردمی در سپاه و پیام‌های وحدت‌بخش و تهییج‌کننده حضرت امام (ره)، عوامل اصلی این تحولات بودند که قدرت ایران را به دشمنان فهماند و صدام را بعد از مرحله سوم عملیات فتح‌المبین (هفتم فروردین ۱۳۶۱) وادار کرد که خواهان آتش‌بس و حل مناقشه با ایران از راه‌های صلح‌آمیز باشد.

بیان مسئله:

دفاع مقدس به‌عنوان یک اتفاق بسیار بزرگ در درون انقلاب اسلامی قابل تحلیل است و آنچه‌آن عظمت دارد که انقلاب اسلامی را مدیون خود کرده است. حضور طیف‌های مختلف از اقشار مردم و نظامیان در دفاع مقدس، آن را از سایر جنگ‌های دنیا متمایز کرده و زیبایی‌های معنوی دفاع مقدس توانسته بود تمام سلايق و اندیشه‌ها را در کنار هم متحد کند. در دفاع مقدس، تمام خصلت‌های پسندیده و ویژگی‌های مثبت انسانی به اوج و کمال خود رسیده و اگر هوشیار بودیم می‌توانستیم آن‌ها را در عمق وجود آحاد جامعه رسوخ داده و برای استفاده نسل‌های بعد نهادینه کنیم. دفاع مقدس دانشگاه انسان‌سازی و متخصص‌سازی بود و اکثر کسانی که وارد این دانشگاه شدند، تاج شاهنشاهی و افتخار سربازی را تا ابدیت بر سر خود خواهند داشت (یکی از دوستان شهیدمان در زمان جنگ می‌گفت: هر چه می‌توانیم باید در دفاع مقدس شرکت کنیم و از

این نعمت الهی برخوردار شویم، چرا که بعد از برچیده شدن این سفره، به لحظه لحظه های آن غبطه خواهیم خورد).

سپاه پاسداران، ارتش، اقشار مختلف مردم در قالب بسیج، ژاندارمری، گروه جنگ های نامنظم شهید چمران، جهاد سازندگی و ... مؤثرین در دفاع مقدس بودند؛ ولی مدعیان اصلی آن، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران هستند.

اختلاف نظر و تضارب آراء در اداره جنگ بین ارتش و سپاه در حین جنگ، از یک طرف موجب ارتقاء قابلیت ها و توانایی های طرفین در یک رقابت سالم گشته و از سویی باعث ایجاد کدورت ها و بداخلاقی ها بین طرفین شده بود. چهار عملیات ارزشمند و پیروز ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس حاصل اوج همکاری، هم افزایی، وحدت و اراده مشترک، جهت مقابله با دشمن بود که در حداقل زمان، باعث آزادسازی حداکثر سرزمین های اشغالی گردید. عدم موفقیت در عملیات رمضان و تکرار آن در بعضی از عملیات های مشترک بعدی و هوای نفس فرماندهان، موجب فاصله گرفتن این دو عنصر ارزشمند نظام اسلامی گشته و بعضاً باعث بروز بداخلاقی هایی در آن ها در طول دفاع مقدس گردید. این اختلاف دیدگاه، بعد از دفاع مقدس هم به صورت پنهان ادامه پیدا کرده و خود را در ثبت و ضبط تاریخ دفاع مقدس نشان داد و هر کدام از آن ها دفاع مقدس را به نفع خود تعریف و تفسیر کرده و در کتاب های خود، نقش دیگری را کم رنگ و بعضاً بی رنگ جلوه دادند. دوستان ارتش در تشریح عملیات ها؛ جملاتی مثل عناصری از سپاه و بسیج در فلان عملیات حضور داشتند و سپاه نیز در مکتوبات خود؛ اثر نیروی هوایی، هوانیروز، توپخانه، سیستم پدافند هوایی و ... را در پشتیبانی از عملیات های خود کمتر بیان می نماید.

یکی از عملیات های مشترک سپاه و ارتش که از ارزش و اعتبار بالایی برخوردار است و یگان ها تا حد گروهان با هم ادغام شده بودند، عملیات فتح المبین بود که در سطوح مختلف، فرمانده و یا جانشین همدیگر قرار گرفته و با هماهنگی کامل با هم عملیات را طرح ریزی، اجرا و هدایت می کردند. محسن رضایی و صیاد شیرازی در قرارگاه مشترک مرکزی، به صورت مشترک عملیات را طرح ریزی، اجرا و هدایت نموده و چهار قرارگاه مشترک تابع نیز (قدس، نصر، فجر و فتح)، هر کدام دارای فرماندهانی از ارتش و سپاه بودند و همین امر تا رده گروهان های مانوری هم انجام گرفته بود.

کتاب‌های تدوین‌شده توسط سپاه و ارتش در موضوع عملیات فتح‌المبین، هر کدام از زاویه دید و مورد علاقه خود به عملیات پرداخته و فعالیت‌ها و خدمات همدیگر را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. فاصله درونی ارتش و سپاه باعث شده که آن‌ها جلسات مشترک و سازمان‌مشرکی جهت تدوین تاریخ جنگ نداشته و هر کدام بدون توجه به دیگری، تاریخ جنگ یک طرفه و مد نظر خود را تهیه نموده و مسائل کاملاً محرز مثل سازمان رزمی مشترک ارتش و سپاه در فتح‌المبین را نادیده گرفته و فقط یگان‌های خود را مؤثر در پیروزی جلوه دهند. اگر گردان‌ها و گروهان‌ها به صورت ادغامی عمل کرده‌اند که هر دو طرف به آن اذعان دارند؛ چگونه ارتش و سپاه با تألیفات خود، مدعی فتوحات اختصاصی خود در فتح‌المبین هستند؟

ناگفته نماند همین مشکل به خاطر حمیت قسمتی و تعصب به سازمان و منطقه خود، در طول دفاع مقدس در یگان‌های داخل سپاه و داخل ارتش نیز وجود داشته و هر کدام از یگان‌ها، پیروزی‌های یک عملیات را به خود نسبت داده و شکست‌ها و عدم توفیق‌ها را به گردن دیگری انداخته‌اند.

در این مقاله بر آن هستیم که با استفاده از اسناد و مدارک و کتاب‌های موجود، عملیات فتح‌المبین را بررسی و تجزیه و تحلیل نموده و با خط‌کش و معیار اصول و قواعد اساسی رزم مورد قبول صاحب‌نظران نظامی، حقیقت عملیات فتح‌المبین را تا حد امکان کشف و ارائه نماییم تا شاید این نوع مقالات بتواند مسیر جدیدی برای تدوین حقایق دفاع مقدس، به دور از نگاه سخیف و تک‌بعدی، جلوی راه محققین آینده قرار دهد.

ادبیات تحقیق:

۱- منطقه عملیات:

الف- علل انتخاب منطقه عملیات:

در طراحی سلسله عملیات‌های راه کربلا، سه عملیات برای آزادسازی سه منطقه عمده خوزستان بعد از عملیات ثامن‌الائمه در نظر گرفته شده بود که اولین عملیات آن، عملیات کربلای ۱ (طریق‌القدس) در منطقه بستان جهت رسیدن به هور (مرز) به منظور انشقاق در جبهه دشمن در شمال و جنوب خوزستان بود و دومین عملیات در غرب کرخه (شمال خوزستان) با عنوان کربلای ۲ (فتح‌المبین) و سومین عملیات در غرب کارون (جنوب خوزستان) با نام کربلای

۳ (بیت المقدس) بود.

بعد از عملیات طریق القدس، فقط دو منطقه مهم خوزستان در دست عراق بود که با بررسی های به عمل آمده، منطقه غرب کرخه در اولویت اجرای عملیات به دلایل زیر قرار گرفت:

- ۱- در صورت موفقیت عملیات، منطقه غرب کرخه (دشت فتح المبین) با یگان های کمتری قابل دفاع بود و امکان تمرکز نیرو برای عملیات در مناطق دیگر فراهم می شد.
- ۲- وسعت منطقه شمالی (غرب کرخه)، تقریباً یک سوم وسعت منطقه جنوبی (غرب کارون) بود و با مقدمات موجود تناسب بیشتری داشت.
- ۳- انهدام دو لشکر دست نخورده ۱۰ زرهی و ۱ مکانیزه دشمن مستقر در منطقه شمالی، ضربه سنگینی بر ارتش عراق بود و در کاهش توان رزمی او تأثیر زیادی داشت.
- ۴- با عقب راندن عراق از منطقه شمالی، تهدید شهرهای دزفول، اندیمشک و پایگاه چهارم شکاری از بین رفته و شهر شوش و جاده و راه آهن اندیمشک - اهواز که شاهراه و محور مواصلاتی حیاتی برای خوزستان بود، از برد آتش های ارتش عراق بیرون می رفت.
- ۵- شکل منطقه، مسیر خط تماس، گسترش غلط دشمن، وجود معابر مختلف، وجود پل های آماده روی کرخه و شناسایی های انجام شده قبلی، موجب سرعت در طرح ریزی و کاهش زمان آمادگی برای اجرای عملیات می شد (سرعت در اجرای سلسله عملیات ها، باعث عقب افتادگی و سردرگمی ارتش عراق شده و پیروزی در عملیات ها را تضمین می نمود).

ب- زمین عملیات فتح المبین:

منطقه عمومی عملیات فتح المبین در غرب رودخانه کرخه از روبروی جسر نادری (پل کرخه) تا شوش قرار داشت که از شمال به ارتفاعات بلند و صعب العبور تیشه کن، دالپری، چاه نفت و سپتون، از جنوب به ارتفاعات میشداغ و تپه های رملی و چزابه، از شرق به رودخانه کرخه و از غرب به خط مرز محدود می شد.

زمین منطقه از سه قسمت کوهستانی، تپه ماهوری و دشت تشکیل شده است و ارتفاع بلندترین مناطق آن از سطح آب های آزاد از ۲۱۰ متر تجاوز نمی کند. زمین مناطق شمالی آن کوهستانی و از جنس سخت بوده و هر چه به طرف جنوب حرکت می کنیم، از استحکام آن کاسته می شود و بخش هایی از جنوب و جنوب غرب منطقه از تپه های رملی پوشیده شده است. ارتفاعات ابوصلیبی

خات، تینه، برقازه، رقایبه، میشداغ و حمیرین در غرب رودخانه دویرج، عوارض ارتفاعی منطقه را تشکیل می‌دهند.

در شرق منطقه، رودخانه کرخه از شمال به جنوب جریان دارد و مانع مؤثر در حرکات پیاده و خودرویی است. رودخانه چیخواب در شمال غربی منطقه از شمال شرقی به جنوب غربی در جریان و در هنگام بارندگی سیلابی بوده و عبور از آن محدود به پل چیخواب می‌شود. رودخانه دویرج در غرب منطقه از شمال به جنوب جریان داشته و در هنگام بارندگی غیر قابل عبور و عرض و عمق قابل ملاحظه‌ای پیدا می‌کند و رودخانه یا مسیل رفائیه که از آب‌های دامنه‌های جنوبی ارتفاعات شاوریه، ۳۵۰ و ارتفاعات شمال دشت عباس تشکیل شده و به کرخه می‌ریزد و به هنگام بارندگی حرکت یگان‌ها را تا حدودی کند می‌کند.

عوارض حساس منطقه شامل رشته ارتفاعات ۳۵۰، ۳۴۳ و ۳۳۶، شاوریه، بلتا، سپتون، تپه چشمه که در شمال منطقه بر محور پل کرخه به عین خوش تسلط دارند؛ عین خوش و پل چیخواب، تپه ۲۰۲، تپه علی‌گره زد، سه راه قهوه‌خانه، پل نادری (کرخه)، تنگه ابوغریب، تنگه برقازه، تنگه رقایبه، تنگه ذلیجان و سایت ۴ و ۵.

جاده‌های مهم منطقه عبارتند از: جاده دزفول به دهلران، جاده سه راه قهوه‌خانه به چنانه و فکه، جاده علی‌گره زد به چنانه، جاده عین‌خوش به چم سری و جاده امام‌زاده عباس به ابوغریب و دویرج.

ج- سایر عوامل:

جمعیت منطقه در شروع جنگ و هنگام حمله عراق از منطقه خارج شده و در آستانه عملیات فتح‌المبین، روستاهای منطقه مخروبه و عاری از جمعیت است.

۲- دشمن:

الف- تک‌های مختل‌کننده دشمن:

- عملیات ارتش عراق در جزابه: ارتش عراق با هدف پیش‌گیری یا تأخیر در اجرای عملیات آینده ایران، یک عملیات آفندی در تنگه جزابه در ۱۷ بهمن ۱۳۶۰ آغاز کرد و در آن عملیات، ابتدا توپخانه عراق یک آتش تهیه سنگین در منطقه‌ای به وسعت هفت در دو کیلومتر اجرا نمود و سپس تک زرهی خود را در مسیر بستان آغاز کرد و چون نیت اصلی عراق، اختلال در عملیات

فتح‌المبین بود؛ خیلی میل به پیشروی به سمت بستان نداشت و با وارد کردن تلفات و از بین بردن سازمان یگان‌های ایران، سعی در به دست آوردن زمان برای مقابله با عملیات آینده ایران داشت و از طرفی اگر وارد منطقه ذوعارضه بستان با نهرها، نخلستان‌ها، ساختمان‌ها و غیره می‌شد، آسیب‌پذیری خود را بیشتر می‌نمود.

ارتش عراق با آتش تهیه و آتش‌های حین اجرای تک خود، با بیش از یک میلیون گلوله به حدود ۳۰ گردان از نیروهای ما که برای عملیات بعدی آماده شده بودند، صدمات زیادی وارد کرد. با این حال، مقاومت نیروهای خودی در چزابه و درک صحیح و به موقع فرمانده سپاه پاسداران از هدف دشمن در این عملیات، سبب شد تا نیروهای اسلام، تلاش اصلی خود را برای آماده‌سازی و اجرای سریع عملیات فتح‌المبین متمرکز نمایند (سردار غلامعلی رشید می‌فرماید: ما نسبت به اهداف دشمن ابهام داشتیم، زیرا عراقی‌ها در عین حالی که حملات سنگینی را انجام می‌داند، ولی کلاً به سمت بستان پیشروی نمی‌کردند. در این شرایط، فرماندهی محترم کل سپاه طی تحلیلی اظهار داشت: هدف دشمن تأخیر در عملیات بعدی است و باید سریعاً منطقه عملیات فتح‌المبین را فعال کنیم).

سرانجام به واسطه مقاومت رزمندگان اسلام در حدود دو هفته، اجرای عملیات امیرالمؤمنین در اول اسفند ۱۳۶۰ و تلفاتی که به ارتش عراق وارد شده بود، حملات عراق در تنگه چزابه متوقف و تلاش خودی برای تسریع در عملیات فتح‌المبین افزایش یافت؛ ولی به هر صورت، عراق با عملیات چزابه توانست عملیات فتح‌المبین را با تأخیر مواجه سازد.

- تک مختل‌کننده ارتش عراق در غرب شوش و رقابیه: با نزدیک شدن به موعد عملیات فتح‌المبین، ارتش عراق یک تک مختل‌کننده در ۲۸ و ۲۹ اسفند ۱۳۶۰ با هدف برهم زدن سازمان و انهدام بخشی از نیروهای ایران جهت به تأخیر انداختن دوباره عملیات در محور جنوب شوش و رقابیه انجام داد که موجب سردرگمی و تردید فرماندهان سپاه اسلام در اجرای عملیات فتح‌المبین گردید. دلیل انتخاب این منطقه برای تک مختل‌کننده این بود که عراق تصور می‌کرد ایران قدرت عملیات در کل منطقه غرب کرخه را ندارد و براساس اطلاعات به دست آمده می‌پنداشت که ایران عملیات اصلی خود را در منطقه پل نادری تا شوش اجرا خواهد کرد و در سایر مناطق، تک‌های فریبده و ایدایی خواهد داشت.

هجوم نیروهای دشمن در مناطق قرارگاه‌های فجر و فتح در این تک مختل‌کننده موجب شد تا تعدادی از معابر این قرارگاه‌ها برای دشمن کشف شده و امکان غافلگیری در این مناطق از بین برود؛ لیکن دشمن به جز اینکه توانست به دو گردان از سپاه اسلام صدمه بزند، کاری از پیش نبرده و صرفاً توانست در نزدیکی نیروهای اسلام مستقر شود و صبح ۲۹ اسفند ۱۳۶۰ نیز تعداد زیادی تانک را در تنگه رقابیه آرایش داد.

با توجه به اظهارات اسرای عراقی، اسناد و کتاب‌های مؤلفین عراق، اجرای تک‌های مختل‌کننده توسط ارتش عراق در دو منطقه شوش و رقابیه، حضور صدام در منطقه برقازه (قرارگاه سپاه چهارم) و تجمع یگان‌های عمده عراق در منطقه، به نظر می‌رسد عراق تقریباً کل عملیات فتح‌المبین را به غیر از منطقه قرارگاه قدس (عین خوش) کشف کرده و آمادگی کامل جهت مقابله با رزمندگان اسلام را داشت.

ب- سازمان و گسترش دشمن:

ارتش عراق در منطقه فتح‌المبین در قالب سپاه ۴، با دو لشکر در خط و یک لشکر در احتیاط آرایش یافته بود. لشکر ۱۰ زرهی در شمال منطقه به ترتیب با تیپ ۶۰ زرهی در شمال ارتفاعات امامزاده عباس، تیپ ۵۰۵ پیاده در محدوده شاوریه، تیپ ۴۲۳ پیاده در محدوده تپه چشمه، تیپ ۲۴ مکانیزه در محدوده سه راه قهوه‌خانه و تیپ ۴۲ زرهی روی جاده پل نادری - امامزاده عباس گسترش یافته و پاسگاه اصلی فرماندهی لشکر ۱۰ در نزدیکی عین خوش قرار گرفته بود و لشکر ۱ مکانیزه در جنوب منطقه با تیپ ۱ مکانیزه در محدوده جاده شوش - فکه، تیپ ۹۳ پیاده در ارتفاعات سایت ۴ و ۵، تیپ ۲۷ مکانیزه در روبروی شهر شوش، تیپ‌های ۵۱ و ۳۴ زرهی و تیپ ۹۶ پیاده در منطقه رقابیه و تیپ ۱۷ زرهی در دشت شرق چنانه مستقر بوده و پاسگاه اصلی فرماندهی لشکر ۱ در چنانه قرار داشت و لشکر ۳ زرهی با تیپ‌های ۶ و ۱۲ زرهی و تیپ ۸ مکانیزه، احتیاط سپاه ۴ را تشکیل می‌داد. همچنین تیپ‌های پیاده متعدد و گردان‌های کماندوی زیادی جهت تقویت یگان‌های استقراری در نظر گرفته شده و تیپ‌های ۱۰ زرهی، ۱۴ مکانیزه و یگان‌های گارد ریاست جمهوری نیز در احتیاط دور منطقه بودند.

ج- آسیب پذیری های دشمن:

دشمن به خاطر شکست در عملیات های ثامن الائمه و طریق القدس و عدم توفیق در تک های مختل کننده در جزابه و جنوب غرب شوش، از روحیه و میل جنگ جویی پایین بهره برده و از توان رزم شکننده ای برخوردار بود. زمین منطقه در قسمت شمال کاملاً به نفع رزمندگان اسلام بوده و دشمن در زیر دید و تیر ما قرار داشت. دشمن از دو سمت شمال و جنوب به ما جناح داده و با اجرای دو مانور احاطه ای، عقبه های او به تصرف رزمندگان اسلام در می آمد. خطوط دشمن در شمال و جنوب منطقه از پیوستگی لازم برخوردار نبوده و برای رزمندگان اسلام، معبرهای نفوذی مناسب جهت غافلگیری ارائه می نمود. بریدگی های زمین در دامنه شرقی ارتفاعات ابوصلیبی خات، باعث نزدیک شدن رزمندگان به نیروهای دشمن می شد. برخی از قسمت های زمین، تحرک یگان های زرهی دشمن را محدود می کرد. دشمن در پدافند از منطقه، به دو گلوگاه تنگه برقازه و عین خوش متکی بود و با تصرف آن دو نقطه توسط سپاه اسلام، شاکله دفاعی او از هم می پاشید.

۳- مأموریت:

فرماندهی عملیات کربلای ۲ (قرارگاه مرکزی کربلا) در ساعت (س) روز (ر) به منظور انهدام نیروهای دشمن در منطقه دزفول و شوش تک می کند و ارتفاعات علی گره زد، ابوصلیبی - خات، تنگه رقایبه، ارتفاعات چنانه و عین خوش را تصرف و تأمین و در منطقه پدافند می نماید و آماده می شود بنا به دستور، تک را به سمت غرب جهت تأمین خط مرز ادامه دهد.

۴- طرح ریزی:

سپاه قبل از تشکیل قرارگاه مشترک ارتش و سپاه، یک طرح اولیه با هدف تصرف و تأمین ارتفاعات ابوصلیبی خات در منطقه شوش و تپه های علی گره زد، شاوریه و دهلیز (۳۵۰) در منطقه محور پل نادری - عین خوش در نظر گرفته بود که بعد از تشکیل قرارگاه مشترک، همان طرح اولیه توسعه پیدا کرد.

طرح های دو گانه اولیه:

ارتش مشابه عملیات ۲۳ مهر ۱۳۵۹ مایل بود تلاش اصلی را از سمت جسر نادری و روی جاده های دهلران و فکه قرار دهد و در این طرح، عملیات در دو مرحله انجام می شد؛ در مرحله

اول از سه محور شوش، پل کرخه و ارتفاعات بلتا و شاوریه برای تأمین ارتفاعات ابوصلیبی خات و علی‌گره زد مانور انجام گرفته و در ادامه عملیات در مرحله دوم؛ جهت تأمین ارتفاعات عین‌خوش، تینه، برقازه و رقابیه به‌عنوان اهداف نهایی، حرکت صورت می‌گرفت. طراحان سپاه براساس تجربیات گذشته می‌گفتند که باید از جناح با دشمن درگیر شد و یگان‌های دشمن در این مناطق هوشیار هستند و جهت غافلگیری وی، تلاش اصلی باید احاطه دشمن از شمال (عین‌خوش) و جنوب (رقابیه) باشد و در این طرح، باید عملیات در یک مرحله و با چهار قرارگاه برای تصرف عقبه‌های دشمن با راه‌کارهای ابتکاری انجام شود. سرانجام طرح سپاه با بحث‌های فراوان مورد پذیرش قرار گرفت و سازمان و طرح مانور قرارگاه مرکزی کربلا، به ترتیب زیر در چهار محور آماده اجرا گردید:

سازمان:

- ۱- قرارگاه مشترک قدس: (سرهنگ شهبازی از ارتش و برادر عزیز جعفری از سپاه)، ارتش با تیپ مستقل ۸۴ پیاده (۳ گردان) و تیپ ۲ زرهی از لشکر ۹۲ (۳ گردان). سپاه با تیپ ۱۴ امام حسین (۹ گردان)، تیپ ۴۱ ثارالله (۶ گردان)، سپاه ایلام (۳ گردان)، گردان مستقل علی اکبر و ۱ گردان زرهی از تیپ ۳۰ زرهی.
- ۲- قرارگاه مشترک نصر: (سرهنگ حسنی سعدی از ارتش و برادر حسن باقری از سپاه)، ارتش با لشکر ۲۱ حمزه (۱۰ گردان پیاده و ۴ گردان تانک و ۱ گردان سوار زرهی)، تیپ مستقل ۵۸ ذوالفقار (۴ گردان)، تیپ مستقل ۳۷ زرهی (۲ گردان تانک و ۱ گردان مکانیزه). سپاه با تیپ ۷ ولیعصر (۹ گردان)، تیپ حضرت رسول (۹ گردان) و ۲ گردان زرهی از تیپ ۳۰ زرهی.
- ۳- قرارگاه مشترک فجر: (برادر مجید بقایی از سپاه و سرهنگ عظیم از گمی از ارتش)، ارتش با لشکر ۷۷ پیاده (۹ گردان پیاده، ۲ گردان تانک و ۱ گردان سوار زرهی). سپاه با تیپ ۱۷ علی ابن ابیطالب (۶ گردان)، تیپ ۳۵ امام سجاد (۱۱ گردان)، تیپ ۳۳ المهدی (۶ گردان)، تیپ ۴۶ فجر (۵ گردان) و ۱ گردان زرهی از تیپ ۳۰ زرهی.

۴- قرارگاه مشترک فتح: (برادران غلامعلی رشید و رحیم صفوی از سپاه و سرهنگ مسعود منفرد نیایی از ارتش)،

ارتش با تیپ ۱ و ۳ زرهی از لشکر ۹۲ (نا معلوم) و تیپ مستقل ۵۵ هواپرد (نامعلوم).

سپاه با تیپ ۲۵ کربلا (۱۶ گردان)، تیپ ۸ نجف (۸ گردان) و ۲ گردان زرهی از تیپ ۳۰ زرهی.

توضیح: یگان‌های سپاه دائماً در حال توسعه بوده و در طول عملیات نیز اضافه می‌شدند و در عملیات فتح‌المبین به حدود ۱۰۰ گردان رسیدند.

طرح مانور نهایی:

قرارگاه مرکزی کربلا با چهار قرارگاه مشترک تابع، شبانه و توأم با غافلگیری تک نموده و ارتفاعات عین‌خوش، تینه، برقازه، رقابیه و میشداغ را تأمین می‌نماید.

قرارگاه قدس به‌عنوان تلاش اصلی (محور عین‌خوش): این قرارگاه از شمال به جنوب و به جناح شمالی قابل دسترس لشکر ۱۰ زرهی دشمن تک نموده و ارتفاعات تینه (عین‌خوش تا ابوغریب) را تأمین و در منطقه متصرفی پدافند و یکی از دو راه مواصلاتی اصلی دشمن به منطقه را قطع می‌نماید (هدف نهایی این قرارگاه، بخش شمالی ارتفاعات تینه از عین‌خوش تا ابوغریب بوده و اهداف واسطه آن؛ تپه‌های کمر سرخ، عین‌خوش، ۲۰۲ و امامزاده عباس هستند).

قرارگاه نصر (محور غرب پل نادری): این قرارگاه از شمال به جنوب و به جناح شمال شرقی لشکر ۱۰ زرهی دشمن تک نموده و ارتفاعات جنوبی تینه را تأمین و در منطقه پدافند می‌نماید (هدف نهایی این قرارگاه، بخش جنوبی ارتفاعات تینه تا برقازه و اهداف واسطه آن؛ تپه کوت کاپون، سه راه قهوه‌خانه، تپه علی‌گره زد، تپه چشمه، تپه بلتا، تپه شاوریه و مجموعه تپه‌های دهلیز هستند).

قرارگاه فجر (محور شوش): این قرارگاه از شرق به غرب با مانور جبهه‌ای تک نموده و ارتفاعات ابوصلیبی خات را تأمین می‌نماید (هدف اصلی این قرارگاه، ارتفاعات استراتژیک ابوصلیبی خات (تپه رادار، سایت ۴ و ۵) بوده و این ارتفاعات بر کل منطقه اشرف داشته و در صورت تأمین آن، تصرف سایر اهداف قرارگاه مرکزی کربلا تسهیل می‌گردید و عوارض حساس

آن تپه رادار، سایت ۴ و ۵، زعن و تل واوی هستند. این قرارگاه به صورت مانور جبهه‌ای از شرق به غرب به استحکامات اصلی و یگان‌های عمده دشمن زده و سخت‌ترین مأموریت را به عهده داشت).

قرارگاه فتح (محور رقابیه): این قرارگاه از جنوب به شمال، به جناح جنوبی لشکر ۱ مکانیزه تک نموده و ارتفاعات رقابیه و برقازه را تأمین می‌نماید (هدف این قرارگاه، شمال ارتفاعات میشداغ و تپه‌های رقابیه تا برقازه و رسیدن به جاده شوش - فکه در تنگه برقازه بوده و عوارض حساس آن، کوه و تنگه رقابیه، تپه دوسلک و کوه و تنگه برقازه است و با دستیابی به اهداف خود، یک خط پیوسته پدافندی از میشداغ تا عین خوش برای قرارگاه مرکزی کربلا به دست می‌آمد).

۵- تردید در تصمیم‌گیری جهت آغاز عملیات:

با توجه به تک‌های مختل‌کننده دشمن در ۲۸ و ۲۹ اسفند ۱۳۶۰ و احتمال هوشیاری ارتش عراق بر محورهای عملیات و لو رفتن برخی از معبرها در منطقه تک مختل‌کننده، تردیدهایی در مورد زمان آغاز عملیات و پیروزی در این عملیات پیش آمد؛ به همین خاطر فرمانده کل سپاه (محسن رضایی) از طریق پایگاه چهارم شکاری با سریع‌ترین وسیله (هواپیمای جنگی اف ۵ به خاطر ضیق وقت) به دیدار امام در تهران رفته و از ایشان در مورد اجرای عملیات فتح‌المبین راهنمایی خواسته و درباره زمان شروع عملیات استخاره طلب می‌کند و امام در پاسخ به این درخواست، ضمن خودداری از استخاره، فرمودند: شما خودتان با مشورت با هم تصمیم بگیرید، ولی اگر می‌خواهید می‌توانید برای طلب خیر از خداوند، به قرآن رجوع کنید. پس از بازگشت سریع فرمانده سپاه به منطقه، استخاره را انجام داده و سوره فتح می‌آید و تفسیر آیات این سوره، نوید یک عملیات موفق با غنائم بسیار را می‌دهد. بر همین اساس، نام فتح‌المبین برای این عملیات برگزیده می‌شود (محسن رضایی به خاطر اینکه با اف ۵ در کمترین زمان به تهران رفت و آمد می‌کند، فشار سنگینی به وی وارد شده و زیر سرم می‌رود و از هدایت عملیات کمی فاصله می‌گیرد).

۶- اجرا و هدایت (تشریح عملیات):

* مرحله اول عملیات فتح‌المبین در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد دوم فروردین ۱۳۶۱ با رمز مبارک یا زهرا با دو قرارگاه قدس و نصر آغاز شد و چون مناطق قرارگاه‌های فجر و فتح توسط تک‌های

مختل کننده دشمن به هم ریخته بود، به آن‌ها در مرحله اول فقط وظیفه اجرای تک‌های ایذایی جهت وارد کردن تلفات و خسارات به دشمن و تثبیت وی واگذار گردید.

قرارگاه قدس: مأموریت قرارگاه قدس به‌عنوان تلاش اصلی از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بود، زیرا این قرارگاه باید از راه‌های سخت و طولانی خود را به جناح شمالی دشمن در عمق می‌رساند و ارتفاعات تینه را از عین خوش تا ابوغریب تأمین می‌نمود. تیپ ۱۴ امام حسین (ع) با طی مسافت بیش از ۲۰ کیلومتر از سمت شمال غربی (کوه ممله) به مواضع عین خوش و پل چیخواب تک کرده و آن‌ها را در اختیار و یکی از دو راه مواصلاتی اصلی ارتش عراق (عقبه لشکر ۱۰ زرهی) را مسدود می‌نماید. تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد با بخشی از تیپ ۴۱ ثارالله، ارتفاع کمر سرخ را تصرف کرده و سپس روستای شیخ قوم (شیخ قیوم) و بعد از آن تپه ۲۰۲ را اشغال می‌نمایند. تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی و بخش دیگری از تیپ ۴۱ ثارالله با انهدام نیروهای دشمن در شمال امام‌زاده عباس، خود را به جاده آسفالت رسانده و با پیشروی به سمت جنوب، یگان‌ها را به تنگه ابوغریب نزدیک می‌نماید. دشمن با اجرای پاتک‌های سنگین در منطقه امام‌زاده عباس، یگان‌های خودی را به عقب رانده و بخشی از منطقه را باز پس‌گیری می‌نماید؛ ولی در منطقه عین خوش و پل چیخواب با وجود اجرای چندین پاتک سنگین، کاری از پیش نمی‌برد و اگر تیپ ۱۴ در برابر پاتک‌های شدید دشمن با سماجت حسین خرازی مقاومت نمی‌کرد، نتیجه دیگری برای عملیات فتح‌المبین رقم می‌خورد (مانور احاطه‌ای تیپ ۱۴ امام حسین و تصرف پادگان عین خوش و مقابله با پاتک‌های دشمن این یگان، سهم بسزایی در نتیجه نهایی عملیات فتح‌المبین داشت).

قرارگاه نصر: این قرارگاه نیز از سمت شمال به جنوب مأموریت داشت تا هدف‌های تپه کوت کاپون، سه راه قهوه‌خانه، تپه علی گره زد، تپه چشمه، تپه بلتا، تپه شاوریه و مجموعه تپه‌های دهلیز را تصرف و سپس به سمت هدف اصلی خود (ارتفاعات تینه) حرکت نماید. تیپ ۷ ولیعصر و تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه از مدت‌ها پیش از طریق تونلی که به طول حدود ۴۰۰ متر (توسط حاج غلامحسین یزدی) تا نزدیک مواضع دشمن در منطقه هندلی احداث کرده بودند به دشمن هجوم برده و مواضع دفاعی بسیار مستحکم هندلی را تصرف می‌نمایند. تیپ ۲۷ حضرت رسول (ص) و تیپ ۲ از لشکر ۲۱ حمزه نیز توانستند ارتفاعات علی گره زد را تأمین نموده و توپخانه‌های پشت

آن را به غنیمت درآورده و باعث قطع آتش توپخانه دشمن در کل مناطق قرارگاه‌های نصر و فجر گردند. یگان‌های این قرارگاه در مرحله اول عملیات توانستند با دشواری تمام به اهداف خود رسیده و چندین پاتک دشمن را دفع کنند.

قرارگاه فجر: این قرارگاه با مانور جبهه‌ای، بیشتر نقش تثبیت‌کننده در این مرحله داشت و لشکر ۷۷ خراسان و تیپ‌های ۳۵ امام سجاد، ۱۷ علی ابن ابیطالب و ۳۳ المهدی، تک خود را هم‌زمان با سایر قرارگاه‌ها آغاز کردند و مقداری در دامنه ارتفاعات ابوصلیبی خات پیشروی نموده (پل رفاییه) و با مقاومت شدید دشمن متوقف شده و تا مرحله بعد، در همان منطقه پدافند کردند (به خاطر هوشیاری زیاد دشمن در این منطقه، تسلط و اشراف دشمن از روی ارتفاعات ابوصلیبی خات، زدن بر پیشانی جنگی دشمن و تثبیت وی، عملیات این قرارگاه بسیار سخت و با تلفات بالا همراه بود).

قرارگاه فتح: تک مختل‌کننده عراق در این محور باعث به هم خوردن طرح‌های آفندی این قرارگاه گردید و تمام معابر توسط دشمن کشف و راه‌های نفوذ به مواضع دشمن مسدود شد؛ به همین خاطر، اجرای هم‌زمان عملیات با سایر قرارگاه‌ها میسر نگردید و فقط جهت درگیر نگه داشتن و وارد کردن تلفات و خسارات به دشمن و تثبیت وی، ۸ تیم شکار تانک به منطقه اعزام و آن‌ها توانستند ضمن تثبیت دشمن، حدود ۲۰ تانک و نفربر وی را نابود نمایند.

روز دوم عملیات در منطقه قرارگاه‌های قدس و نصر، یگان‌ها عمدتاً به تثبیت دشمن و مقابله با پاتک‌های سنگین دشمن پرداخته و با اعزام شکارچیان تانک، اختلال در عملیات دشمن ایجاد می‌کنند. پاتک‌های پی در پی عراق در امام‌زاده عباس و عین‌خوش، یگان‌های قرارگاه قدس را در شرایط بحرانی قرار داده و تیپ ۸۴ خرم‌آباد را در تپه ۲۰۲ وادار به عقب‌نشینی کرده و جناح شرقی تیپ ۱۴ امام حسین تهدید می‌گردد. در این روز، اصلی‌ترین فعالیت هوانیروز و نیروی هوایی در منطقه قرارگاه‌های قدس و نصر متمرکز شده و نقش بسزایی در خنثی کردن پاتک‌های دشمن بازی می‌کنند. برادر حسین خرازی در منطقه عین‌خوش و پل چیخواب تقریباً در محاصره ارتش عراق قرار گرفته و تحت فشار شدید دشمن درخواست کمک می‌کند؛ در این شرایط بدلیل زیرسرم بودن محسن رضایی، صیاد شیرازی به برادر حسین خرازی دستور عقب‌نشینی داده و آقای خرازی در برابر این دستور تمکین نمی‌کند و به دلیل مشاجره این دو نفر، محسن رضایی از اتاق بغل وارد

اتاق جنگ شده و بعد از اطلاع از وضعیت بحرانی تیپ ۱۴ امام حسین، تدبیر می‌کند تا قرارگاه فتح در سمت رقابیه تک نموده و به سمت تنگه برقازه حرکت کند تا توجه دشمن به آن منطقه جلب شده و فشار از روی تیپ ۱۴ امام حسین برداشته شود (با اجرای مرحله دوم عملیات در بامداد ۴ فروردین ۱۳۶۱ و تصرف تنگه رقابیه و ارتفاعات حاشیه آن، عملاً فشار از روی حسین خرازی برداشته می‌شود).

* مرحله دوم عملیات فتح‌المبین در ساعت ۱ بامداد ۴ فروردین با وجود عدم آمادگی یگان‌های قرارگاه فتح، آغاز گردید و در این مرحله نیز قرارگاه فجر مأمور اجرای عملیات ایذایی گردیده و قرارگاه‌های نصر و قدس هم مأمور بازسازی خطوط پدافندی خود شده و در این روز یگان‌های طرفین برای بدست آوردن ابتکار عمل، بشدت با هم درگیر بودند.

قرارگاه فتح در این مرحله به‌عنوان تلاش اصلی، مأموریت داشت ابتدا تنگه رقابیه و ارتفاعات حاشیه آن را تأمین نموده و سپس در صورت امکان با ادامه تک، تنگه و ارتفاع برقازه را تصرف و در امتداد ارتفاعات تینه پدافند نماید. این قرارگاه با دو یگان در خط، فتح ۲ (تیپ ۸ نجف، تیپ ۵۵ هوآبرد و گروه رزمی سلمان از لشکر ۸۸ زرهی) در چپ تلاش اصلی، در دو محور، یک محور (۲ گردان پیاده از تیپ ۸ نجف و احتمالاً یک گردان از تیپ ۵۵ هوآبرد) با مانور نفوذی در تاریکی و با عبور از تنگ ذلیجان با حدود ۲۰ کیلومتر راهپیمایی در مواضع تک در غرب قله میشداغ متمرکز و بعد از اعلام رمز عملیات، به مواضع دشمن از پشت سر تک نموده و با غافلگیری تمام، تنگه رقابیه و ارتفاع جنوبی آن را تا ساعت ۳ بامداد تصرف می‌نماید و یک محور دیگر فتح ۲، با پیشروی مستقیم به مواضع دفاعی عراق در تنگه رقابیه سعی در الحاق با نیروهای نفوذی می‌کند. عملیات نفوذی از طریق تنگ ذلیجان، باعث به هم ریختن مواضع و فرار دشمن در تنگه رقابیه گردیده و عملیات پیشروی محور دیگر نیز تسهیل می‌گردد و تا ساعت ۴ الحاق بین یگان‌های فتح ۲ حاصل می‌شود (تنگ ذلیجان کوره راهی در تپه‌های میشداغ بوده که جهاد سازندگی آن را برای مانور نفوذی برخی از یگان‌های قرارگاه فتح در چند شب قبل از عملیات، اصلاح و آماده‌سازی کرده بود).

فتح ۴ (تیپ ۲۵ کربلا و یک گردان تانک از لشکر ۹۲) در راست با هدف تأمین ارتفاع

رقابیه، با یک تأخیر قابل ملاحظه حرکت خود را شروع کرده و اشتبأهاً به سمت دامنه شرقی ارتفاعات رقابیه رفته و به هدف خود نمی‌رسد و فتح ۲ به جای آن، کوه رقابیه را هم به تصرف خود در می‌آورد.

در ادامه، تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی به عنوان احتیاط قرارگاه فتح وارد منطقه شده و در مواضع متصرفه استقرار پیدا نمود و یگان‌های پیاده تیپ ۸ نجف و تیپ ۵۵ هوآبرد، تک را به سمت عمق دشمن ادامه داده و در ساعت ۱۶ جلوی کوه میشداغ، تنگه رقابیه و کوه رقابیه مستقر و خط سبز به عنوان هدف قرارگاه فتح در این مرحله، تأمین می‌گردد. در عملیات قرارگاه فتح، خیل عظیمی از نیروهای دشمن کشته، زخمی و یا اسیر شدند و در میان اسرا نیز سرتیپ دخیل هلالی حضور داشت (وقتی از این ژنرال عراقی پرسیدند نظر شما درباره این عملیات چیست؟ نگاهی عمیق به شماتیک ترسیمی که جهت ارائه به خبرنگاران آماده شده بود انداخت و گفت؛ این عملیات در نهایت سادگی طرح‌ریزی و در نهایت جسارت اجرا شده است).

* مرحله سوم عملیات فتح‌المبین، با توجه به بسته شدن راه مواصلاتی عین‌خوش در مرحله اول و تهدید راه مواصلاتی برقازه در مرحله دوم و متزلزل شدن ارتش عراق، با هدف به اسارت در آوردن نیروهای کم روحیه دشمن طرح‌ریزی گردید.

قرارگاه نصر در این مرحله تلاش اصلی را به عهده داشته و از سمت شمال غرب به جناح لشکر ۱۰ مکانیزه عراق به منظور تصرف ارتفاعات ابوصلیبی خات تک می‌نمود. این قرارگاه با نصر ۱ در راست (غرب)، با تیپ ۱ لشکر ۲۱ و تیپ ۷ دزفول با هدف سایت ۵ و ارتفاع رادار و نصر ۳ در چپ با تیپ ۳ لشکر ۲۱ و احتمالاً تیپ ۲۷ حضرت رسول با هدف سایت ۴ تک می‌نمود.

شروع عملیات قرارگاه نصر با اینکه در ساعت ۱ بامداد ۷ فروردین اعلام شده بود، به خاطر طولانی بودن مسیر در ساعت ۰۳:۲۰ هفتم فروردین آغاز گردید (ارتش عراق تا ساعت ۲ صبح منتظر حمله رزمندگان اسلام بودند). نصر ۱ در حدود ساعت ۵ صبح سایت ۵ را تصرف و سپس ارتفاع رادار را هم در اختیار گرفت و نصر ۳ نیز سایت ۴ را در ساعت ۰۶:۴۷ تصرف نموده و به این ترتیب سلسله ارتفاعات ابوصلیبی خات به تصرف کامل رزمندگان اسلام درآمد و در

پاک‌سازی منطقه، تعداد زیادی از دشمن به اسارت سپاه اسلام درآمدند. قرارگاه فجر با فجر ۱ و ۲ از شرق به منظور تثبیت دشمن و فجر ۳ از سمت شمال به منظور تصرف پل رفاییه در ساعت ۰۳:۳۰ تک نموده و فجر ۳ در حدود ساعت ۰۵:۳۰ در پل رفاییه با ارتش عراق درگیر شد و به دلیل سقوط سایت ۵ و تپه رادار توسط نصر ۱، مقاومت دشمن در این منطقه شکسته شده و پل رفاییه در ساعت ۰۷:۵۰ توسط فجر ۳ تصرف گردید و تا ساعت ۱۲:۰۰ الحاق بین قرارگاه‌های فجر و نصر برقرار شده و اسرای بسیار زیاد از منطقه جمع‌آوری گردید. در مرحله سوم، قرارگاه قدس به علت تزلزل دشمن، به راحتی تپه ۲۰۲، امام‌زاده عباس و شیخ قیوم را اشغال و به سمت تنگه ابوغریب حرکت، ولی با مقاومت شدید دشمن مواجه گردید و قرارگاه فتح نیز به منظور تصرف تنگه برقازه حرکت نموده، ولی به خاطر عقب‌نشینی یگان‌های دشمن از تنگه و تراکم آن‌ها در آن منطقه، نتوانست به تنگه نزدیک شود.

* مرحله ۴ عملیات فتح‌المبین به لحاظ از هم‌پاشیدگی ارتش عراق و روحیه گرفتن رزمندگان اسلام، یک مرحله به معنی واقعی نبوده و بیشتر تکمیل‌کننده مرحله سوم بود و در ساعت ۰۹:۲۵ هشتم فروردین با حرکت قرارگاه نصر به طرف حسن بربوطی و تل واوی آغاز و به جهت خالی کردن منطقه توسط عراق، به راحتی منطقه تصرف و تا ساعت ۱۴:۴۵ دوسلک اشغال و تا ساعت ۱۷:۲۶ هشتم فروردین ارتفاعات برقازه به تصرف رزمندگان اسلام درآمد و قرارگاه فتح نیز از سمت رقابیه حرکت و در برقازه با قرارگاه نصر الحاق نمود و همچنین قرارگاه قدس با پیشروی به سمت تنگه ابوغریب آنجا را تصرف و نهایتاً یک خط پیوسته در عین خوش، تینه، برقازه، رقابیه و میشداغ تشکیل شد و دشمن در پشت رودخانه دوبرج و تپه ۱۸۲ در جنوب برقازه خط پدافندی خود را تشکیل داده و خاتمه عملیات فتح‌المبین توسط قرارگاه مرکزی کربلا اعلام گردید.

۷- نتایج عملیات فتح‌المبین:

* در این عملیات، ۲۴۰۰ کیلومتر مربع از حساس‌ترین مناطق خوزستان به دست رزمندگان اسلام آزاد شد و طول خط دفاعی به یک سوم کاهش یافته (صرفه‌جویی در قوا) و یک خط دفاعی مطمئن و پیوسته در برابر ارتش عراق تشکیل گردید. عوارض حساس آزادشده در این

عملیات، ارتفاعات استراتژیک ابوصلیبی خات و سایت ۴ و ۵، ارتفاعات علی گره زد و شاوریه، سلسله جبال تینه با معابر حساس عین خوش و ابوغریب، ارتفاع و تنگه برقازه، تنگه رقابیه و ارتفاعات اطراف آن و غیره.

* در عملیات فتح‌المبین بیش از ۲۵ هزار نفر کشته و زخمی و بیش از ۱۶ هزار نفر به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند که در داخل آن‌ها چندین فرمانده تیپ و افسران ارشد زیادی دیده می‌شدند. این عملیات موجب شد تا فرمانده لشکر ۱ مکانیزه به ۱۵ سال زندان محکوم گردد و فرمانده تیپ ۲۷ این لشکر اعدام و فرمانده تیپ ۱ پیاده مکانیزه نیز برای همیشه ناپدید گردد.

* یگان‌های زیادی از ارتش عراق آسیب جدی دیده و تجهیزات منهدم شده و به غنیمت گرفته شده آن در این عملیات خیلی زیاد بوده و مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: انهدام بیش از ۳۶۰ دستگاه تانک و نفربر و به غنیمت گرفتن بیش از ۳۲۰ تانک و نفربر، انهدام ۱۸ هواپیمای جنگی و ۳ هلیکوپتر، به غنیمت درآمدن ۱۶۵ اراده توپ، ۳۰ دستگاه مهندسی منهدم و ۵۰ دستگاه به غنیمت گرفته شد؛ حدود ۵۰۰ خودرو منهدم و ۵۰۰ خودرو دیگر به غنیمت گرفته شده و مهمات زیادی در اختیار رزمندگان اسلام جهت استفاده در عملیات بعدی قرار گرفت.

* تهدید شهرهای دزفول، اندیمشک و پایگاه چهارم شکاری از بین رفته و شهر شوش و جاده و راه آهن اندیمشک - اهواز که شاه‌راه و محور مواصلاتی حیاتی برای خوزستان است، از برد آتش توپخانه ارتش عراق خارج شد.

* اعتماد به نفس و روحیه تهاجمی در رزمندگان اسلام جهت طراحی و اجرای عملیات‌های بزرگ‌تر و پیچیده‌تر بیشتر شده و برعکس روحیه ارتش عراق به علت تلفات و خسارات وارده، به شدت پایین آمده و هیبت و قدرت ماشین جنگی عراق فرو ریخت.

* کسب ابتکار عمل در سطوح تاکتیکی، عملیاتی و استراتژیک در برابر عراق و تغییر وضعیت و موقعیت منطقه به نفع جمهوری اسلامی ایران و وحشت سران کشورهای حوزه خلیج فارس.

* عملیات فتح‌المبین موجب تقویت روحیه ملی شده و مردم شجاع ایران را به حضور بیشتر

در جبهه‌ها و مشارکت در جنگ تشویق و یگان‌های سپاه پاسداران را برای عملیات بیت‌المقدس، پر از نیروهای مؤثر نمود.

ارزیابی و تجزیه و تحلیل عملیات فتح‌المبین:

عملیات فتح‌المبین یکی از شاهکارهای نظامی ایران در طرح‌ریزی، آماده‌شدن و اجرای عملیات در سخت‌ترین شرایط در آن مقطع بود که صاحب‌نظران نظامی جهان را مات و مبهوت کرد.

این عملیات در زمانی شروع شد که فرماندهان عراق، تقریباً از زمان و مکان عملیات مطلع بوده و چندین عملیات برای اختلال در عملیات فتح‌المبین انجام دادند. عملیات آفندی ارتش عراق در چذابه در ۱۷ بهمن ۱۳۶۰ جهت انصراف یا به عقب انداختن عملیات آینده ایران، به تنهایی یک عملیات بزرگ بود که تا آن مقطع، یک عملیات بی سابقه تلقی می‌گردید. در این عملیات، عراق به مدت دو هفته، شبانه روز با نیت از بین بردن ماشین جنگی و کم کردن سرعت قطار پیروزی‌های ایران، با رزمندگان اسلام درگیر بود و توانست تلفات و خسارات زیادی بر ما تحمیل کند و اگر درایت فرمانده کل سپاه در درک ایدایی بودن عملیات دشمن نبود، شاید ما با تمام توان در چذابه درگیر شده و قدرت اجرای عملیات فتح‌المبین را از دست می‌دادیم. تک‌های مختل‌کننده عراق در مناطق قرارگاه‌های فجر و فتح در ۲۸ و ۲۹ اسفند ۱۳۶۰ و ایجاد تردید در فرماندهان جهت زمان آغاز تک و پیروزی در عملیات فتح‌المبین، طرح‌های عملیاتی قرارگاه مرکزی کربلا را به هم ریخت و دو قرارگاه از چهار قرارگاه تابع قرارگاه مرکزی کربلا را غیرعملیاتی کرده و معابر این یگان‌ها را کشف نمود.

شور و شوق و هیجان ایجاد شده در مردم ایران بعد از عملیات‌های ثامن‌الائمه و طریق‌القدس، باعث هجوم جوانان انقلابی به جبهه‌ها شده و دفعتاً توان رزم یگان‌های سپاه به بیش از ۴ برابر رسید، به طوری که سپاه پاسداران در عملیات ثامن‌الائمه ۱۶ گردان و در عملیات طریق‌القدس ۲۳ گردان، نیروهای بسیج را سازمان‌دهی و وارد جنگ نموده و برای عملیات فتح‌المبین، حدود ۱۰۰ گردان را به سرعت جذب، آموزش، سازمان‌دهی، تجهیز و پای کار آورد که این سرعت در آماده کردن یگان‌ها، یکی از علت‌های مهم پیروزی عملیات فتح‌المبین بود.

انتخاب مسیرهای دشوار برای مانور، دشمن را در تشخیص تلاش اصلی دچار مشکل نموده و انتخاب بهترین راه کار در مسیر بدترین معبر، غافلگیری دشمن را برای ما به ارمغان می‌آورد. عبور قرارگاه قدس از مسیرهای سخت و طولانی و رسیدن به مواضع تک در ارتفاعات مملو، خارج از تصور ارتش عراق بوده و برای آن پیش‌بینی لازم را نکرده بود و در اولین ساعات عملیات، عقبه دشمن در عین خوش بسته شده و لشکر ۱۰ زرهی دشمن را در بحران فرو می‌برد. عملیات قرارگاه نصر و سرعت در تصرف مواضع هندلی و به دست آوردن توپخانه‌های دشمن در پشت ارتفاع علی‌گره زد، سپاه ۴ ارتش عراق را مستأصل نموده و وادار به اجرای پاتک‌های زود هنگام می‌نماید. حرکت نفوذی بخشی از یگان‌های قرارگاه فتح از تنگ ذلیجان و تک آن‌ها از پشت سر به مواضع مستحکم عراق در تنگه رقابیه و تأمین آن، نزدیک شدن سپاه اسلام به قرارگاه سپاه چهارم عراق و تهدید بسته شدن دومین راه پشتیبانی عراق در تنگه برقازه، انسجام سپاه ۴ عراق را به هم می‌ریزد. عملیات قرارگاه نصر در مرحله سوم و تک از پشت سر به مواضع و استحکامات عراق در سلسله جبال ابوصلیبی خات و تصرف اهداف استراتژیک سایت‌های ۴ و ۵ که صدام آن را کلید خرمشهر قرار داده بود، سیستم دفاعی عراق در منطقه را از هم پاشید.

تغییر و انعطاف در اجرای طرح‌ها و اصرار نکردن در اجرای طرح‌های قبلی، یکی از شاخصه‌های فرماندهان کارآمد است و داشتن طرح‌های یدکی، نجات‌بخش فرماندهان در هنگام گرفتار شدن در بن‌بست‌های عملیاتی است. در عملیات فتح‌المبین، انعطاف در طرح اولیه، شهامت در شروع عملیات با وجود تردید و ابهام، تغییر سمت تلاش اصلی از قرارگاه قدس به قرارگاه فتح و سپس به قرارگاه نصر، عملیات را از رکود و بن‌بست خارج کرده و دشمن را گیج و منفعل نموده بود.

اصرار فرماندهان برای پیروزی، به خصوص سماجت شهید حسین خرازی در نگهداری منطقه عین‌خوش با وجود شرایط سخت محاصره و تدبیر صحیح فرمانده کل سپاه برای انتقال درگیری به سمت دیگر، جهت کم کردن فشار از روی تیپ امام حسین، یک تاکتیک فوق‌العاده بوده و دشمن را وادار به تغییر مواضع براساس خواست ما کرده و وی را برای نگهداری یکی از دو نقطه حیاتی تنگه عین‌خوش یا تنگه برقازه سرگردان نموده بود.

نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌های دشمن در منطقه، دست فرماندهان را برای طرح‌ریزی،

آماده شدن، اجرا و هدایت عملیات آفندی باز گذاشته و راه‌های متنوعی را جهت غلبه بر دشمن و پیروزی نهایی در یک عملیات، پیش پای طراحان قرار می‌دهد. گسترش غلط در عرض و عمق ارتش عراق در ابتدای جنگ، کاملاً مشهود بوده و ما را قادر می‌ساخت با مانور احاطه‌ای از جناح قابل دسترس ارتش عراق، با کمترین درگیری به عمق او رسیده و شاکله دفاعی دشمن را بر هم بریزیم. در عملیات فتح‌المبین، ارتش عراق دارای گسترش غلط تاکتیکی هم در عرض و هم در عمق بود؛ دشمن در این منطقه به صورت منظم و در یک راستا گسترش پیدا نکرده بود، یعنی ارتفاعات اسکندر خان و چاه نفت در شمال و ارتفاعات میشداغ در جنوب را رها کرده و حتی یک خط پیوسته بین شمال و جنوب منطقه نیز ایجاد نکرده بود و هر دو جناح او قابل دورزدن بود و قرارگاه قدس در شمال در اولین لحظات تک، توانست عین‌خوش را در عمق مناطق دفاعی دشمن گرفته و لشکر ۱۰ زرهی دشمن را متزلزل نماید و قرارگاه فتح نیز در جناح جنوبی توانست تنگه رقابیه و ارتفاعات اطراف آن را تصرف نموده و لشکر ۱ مکانیزه عراق را دچار مشکل کند. ارتش عراق در عمق هم گسترش مناسب نداشت و کمر بند دفاعی دوم خود را روی سلسله ارتفاعات عین‌خوش، تینه، برقازه و رقابیه قرار نداده بود و حتی در حین هدایت نیز، درصدد تشکیل خط دوم دفاعی در منطقه گفته شده بالا بر نیامد و با اجرای مرحله سوم عملیات سپاه اسلام، استحکام دفاعی ارتش عراق فرو ریخته و ارتفاعات و تنگه‌های استراتژیک منطقه را هم رها کرده و خط دفاعی خود را به آن سوی رودخانه دویرج منتقل کرد. ناگفته نماند روحیه و انگیزه ضعیف فرماندهان و نیروهای ارتش عراق نیز مزید علت شده و میزان مقاومت آن‌ها را کاهش داده بود و با تصرف ارتفاعات ابوصلیبی خات توسط رزمندگان اسلام، فرماندهان عمده از ترس اسارت از منطقه خارج شده و شاکله دفاعی عراق از درون فرو پاشید و نیروها و فرماندهان جزء نیز، تجهیزات خود را رها و فرار نموده و یا اسیر دلاورمردان اسلام می‌شدند.

نتیجه‌گیری:

دفاع مقدس درس‌های پیدا و پنهان زیادی دارد که تا دهه‌های آینده نیز باید تجربیات آن استخراج شود. عملیات فتح‌المبین، یک عملیات ارزشمند جهت تدریس در دانشکده‌های نظامی در مقاطع مختلف برای فرماندهان جنگ آینده است. در این مقاله سعی شده است با استفاده از

دیدگاه‌های مختلف و بعضاً متضاد، تحلیل نسبتاً درست‌تری از عملیات فتح‌المبین به دست آید. در این عملیات، ارتش و سپاه با یک سازمان مشترک در کنار هم عملیات فتح‌المبین را طرح‌ریزی، آماده‌سازی، اجرا و هدایت کرده و هر دوی آن‌ها با تمام امکانات، هر آنچه که در توان داشتند وارد کارزار کرده و در موفقیت عملیات تلاش نموده‌اند. در این عملیات از عالی‌ترین رده تا گروهان و دسته، به‌صورت ترکیبی در یک سازمان منسجم در کنار هم جنگیده و تمام فتوحات را به صورت مشترک به دست آورده و سپاه و ارتش با هم این عملیات را پشتیبانی نموده‌اند و هیچ کس سهم بیشتری در پیروزی این عملیات ندارد و البته هر کدام ممکن است در یک عرصه، بیشتر یا کمتر نیروها و تجهیزات را در اختیار داشته و وارد معرکه کرده باشند. شور و نشاط جوانی و جسارت در خط‌شکنی بچه‌های سپاه و بسیج و پختگی و امکانات پشتیبانی رزم و پشتیبانی خدمات رزم در ارتش، عملیات فتح‌المبین را قرین موفقیت نمود.

جسارت در طرح‌ریزی و اجرای عملیات فتح‌المبین بدون توجه به آیین رزم مرسوم و ابداع یک شیوه و سبک جدید در طرح‌ریزی و اجرای عملیات، باعث غافلگیری دشمن شده و اجرای تاکتیک‌های پیچیده رزم شبانه، تک از سمت غیرقابل انتظار دشمن، تغییر و انعطاف در طرح‌ریزی و اجرای عملیات بنا به ضرورت ناحیه رزم، اصرار نیروها و فرماندهان به پیروزی و استفاده مناسب و به‌موقع از نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌های دشمن، از علل و عوامل اصلی پیروزی در عملیات فتح‌المبین بوده‌اند.

منابع:

- ۱- بیات، حسن (۱۳۹۹) پاوربوینت تجزیه و تحلیل مبانی دفاع مقدس. تهران: دافوس سپاه.
 - ۲- بیات، حسن (بی تا). تجربیات دفاع مقدس و تدریس چندین ساله مبانی دفاع مقدس در دانشگاه‌های مختلف.
 - ۳- حبیبی، ابوالقاسم (۱۳۸۴) دزفول، شوش و اندیمشک در جنگ. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.
 - ۴- درودیان، محمد (۱۳۷۸). جنگ؛ بازیابی ثبات. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.
 - ۵- علایی، حسین (۱۳۹۵). تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق، جلد اول. تهران: انتشارات مرز و بوم.
 - ۶- غلام‌پور، احمد (۱۳۹۸). تاریخ شفاهی دفاع مقدس. تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس سپاه.
 - ۷- معین وزیری، نصرت‌الله (۱۳۸۷). نگرشی علمی به عملیات فتح‌المبین. تهران: سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش.
 - ۸- موسوی قویدل، سید علی اکبر (۱۳۸۶). عملیات فتح‌المبین. تهران: انتشارات ایران سبز.
- توضیح: مطالعه و برداشت آزاد از منابع بالا صورت گرفته است.